

پیش بینی اضطراب آشکار و پنهان دانش آموزان دختر ابتدایی از روی سبک های فرزند پروری مادران

اکرم زارع سلطانی^۱

دکتر محمد قمری^۲

چکیده

تجارب سال های اول کودکی که معمولا در خانواده ایجاد می گردد سازنده و زیربنای شخصیت و رفتار های بعدی کودک است. هدف این پژوهش تعیین رابطه سبک های فرزند پروری مادران با اضطراب پنهان و آشکار دانش آموزان دختر ابتدایی بود. نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی ناحیه یک شهر قزوین و مادرانشان بود. آزمودنی ها به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و مقیاس فرزند پروری بامریند توسط مادران و مقیاس اضطراب اشیپیل برگر توسط دختران تکمیل شد. تحلیل داده ها با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که بین متغیرهای سبک های فرزندپروری مادران با اضطراب آشکار و پنهان دانش آموزان رابطه وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین سبک های فرزند

^۱ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، گروه روانشناسی، قزوین، ایران

^۲ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران، نویسنده مسئول

۸۸ / پیش بینی اضطراب آشکار و پنهان دانش آموزان دختر ابتدایی از روی سبک های فرزند پروری مادران

پروری مادران می توانند اضطراب پنهان و آشکار را در دانش آموزان پیش بینی نمایند ($P < 0/05$).
بنابر نتایج بدست آمده، آموزش شیوه های فرزندپروری کارآمد به مادران اهمیت فراوانی دارد.

واژه های کلیدی: سبک های فرزندپروری، طرحواره های ناسازگار اولیه، اضطراب آشکار و پنهان، مادران

مقدمه

از بدو تولد و شاید تا پایان عمر، مهمترین رابطه ای که هر انسان تجربه می کند، رابطه با والدینش است. از نوزادی تا جوانی و شاید تا سال ها فراتر از آن، کودکان برای دریافت حمایت های روان شناختی و رفع نیازهای روانی شان به والدین پناه می برند. به اعتقاد روان شناسان شخصیت، شیوه و چگونگی تامین این نیازها توسط والدین، بر تحول شخصیت کودکان نقش حیاتی دارد. چنانچه والدین محیط مثبت روان شناختی را برای کودکان خود فراهم کنند، کودک شکوفا می شود و در محیط های منفی روان شناختی کودک رنج می برد (حسینی، ۱۳۹۱).

به طور کلی نقش و تاثیر خانواده بر شکل گیری شخصیت به طور عمده در سه محور تاثیر سبک فرزندپروری (به ویژه مادر)، تاثیر سایر اعضای خانواده و ترتیب تولد فرزندان مورد توجه واقع شده است (ویک نلسون و ایسرائیل، ۱، ۲۰۰۹). یکی از عناصر مهم در سیستم خانواده، شیوه های فرزندپروری می باشد که والدین از این طریق می توانند بر تحول کودک اثر بگذارند (چاندولا و بهانوت، ۲، ۲۰۰۸). شیوه های فرزندپروری عبارت است از مجموعه ای از رفتارهای به

1 Wick-Nelson, & Israel

2 Chandola, Bhanot

هم پیوسته که تعامل والد - کودک را روی طیف خاصی نشان می دهد و تعامل فراگیر را ایجاد می کند (مایز ۱ ، پتیت ۲ ، ۱۹۹۷؛ نقل از علیزاده و آندریس ، ۲۰۰۲).

سبک های والدگری از الگوهای فرهنگی خاصی پیروی نمی کنند و منظوم هایی از گرایشات، اعمال و جلوه های غیر کلامی است که ماهیت تعامل فرزند و والدین را در تمامی موقعیت های گوناگون مشخص می کند (دارلینگ و استنبرگ ۳، ۱۹۹۳).

تحقیقات نشان می دهد که شیوه های فرزندپروری والدین می تواند با بروز علائم اضطراب در کودکان نیز رابطه داشته باشد (وود و همکاران ۴، ۲۰۰۳). جو خانوادگی گرم و پذیرنده همچون سپری در مقابل آسیب های روانی از قبیل اضطراب و افسردگی، از فرد محافظت می کنند و از طرفی جو نامطلوب خانوادگی و روابط سرد و سرکوب گرانه، با خودپنداره منفی و کاهش حرمت خود و افزایش اضطراب و بروز مشکلات رفتاری رابطه دارد (برتون ، فیپس و کورتیس ، ۲۰۰۲؛ نقل از حسین چاری، دلاورپور و دهقانی، ۱۳۸۶).

پژوهشها نشان می دهند که خصوصیات والدین همانند خلق و خو، نشانه های اضطراب، الگو قراردادن رفتارهای دلواپسی و سبک های فرزند پروری والدین در مشکلات اضطرابی کودک نقش دارند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۰). در پژوهش راپی ۵ (۲۰۱۲) به سه سبک زندگی فرزند پروری سهل گیرانه، سخت گیرانه و مقتدرانه اشاره شده است. سبک فرزند سهل گیرانه که با سطوح پائین گرم بودن و پذیرش می شود خطر ابتلا به اضطراب را افزایش می دهد. سبک کنترلی و سخت گیرانه والدین منجر به تقویت وابستگی کودک شده و زمینه را برای ادراک اینکه جهان جای خطرناکی است در کودک فراهم می نماید بدین نحو که بیش کنترلی والدین زمانی که کودک برای مستقل شدن نیازمند رویارویی با محیط و کاوش آن است سبب کاهش خودکارآمدی و افزایش اضطراب در او می گردد.

«اضطراب» در سطوح بالا و پایدار با آسیب شدید در کنش وری فرد همراه است که می تواند خود را در اجتناب از انجام فعالیتهای مربوط به مدرسه، روابط با همسالان و دستیابی به سطوح تحولی متناسب با سن کودک نشان دهند. همچنین شواهد بسیاری وجود دارد که اختلال های اضطرابی دوران کودکی در مسیری مزمن به مشکلات اضطرابی در بزرگسالی ختم می شوند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۰). فرد مبتلا به اضطراب همیشه احساس تنهایی می کند. او متکی به دیگران است ولی

1 meayes

2 petit

3 Darling, & Steinberg

4 wood

5 Rapee

از این آتکاء رنج می‌برد. شخص مضطرب همیشه در شک و تردید به سر می‌برد و نمی‌تواند در هیچ موردی به سرعت تصمیم بگیرد، زیرا از اشتباه کردن می‌ترسد و عدم تصمیم را به تصمیم غلط ترجیح می‌دهد. او از شکست به ویژه شکست معنوی هراس دارد و هنگامی که بعد از تردید بسیار عملی را انجام می‌دهد از کرده خود پشیمان می‌شود و حتی اعمال بسیار ناچیز نیز ممکن است سبب حالت حمله در شخص مضطرب شود (شاملو، ۱۳۸۳).

لوییس و اولسون ۱ (۲۰۱۱) در تحقیق طولی ای به این نتیجه رسیدند که محیط پر استرس خانواده در سال اول زندگی نوزاد و سبک های خلق و خویی واکنش بالا، اجتنابی و تکانشی به طور مستقیم و به طور مستقل اضطراب و مشکلات افسردگی را در کودکان سن ۴ سالگی پیش بینی می کنند. براجسا و هانزک ۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی نشان دادند که در پیش بینی رفتار اجتماعی کودکان، استدلال قیاسی و گرمای مادران، و سن و خلق خجالتی کودکان، سهم بسزایی دارند. بررسی مبانی روانشناختی ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان از مهمترین مسائل در سلامت روانی آنان تلقی می شود. با توجه به اهمیت شیوع پدیده اضطراب در دانش آموزان و نقش آن در کاهش کارکرد طبیعی آنان در زمینه های تحصیلی و ... و نیز اهمیت توجه به عوامل شناختی محافظت کننده در مقابله با منابع اضطراب از جمله سبک های فرزند پروری مادران، هدف این پژوهش تعیین رابطه سبک های فرزند پروری مادران با اضطراب پنهان و آشکار دانش آموزان دختر ابتدایی می باشد.

روش

پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. از این رو هدف بررسی رابطه متغیرهای موجود و سنجش میزان همبستگی آنهاست.

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش آموزان دختر مدارس ابتدایی ناحیه یک شهر قزوین و مادرانشان در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ بود. در این پژوهش با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای صد و چهارده نفر از جامعه مذکور انتخاب شدند.

1 Lewis and Olsson

2 Brajša-Žganec, Hanzec

شیوه اجرا

پس از اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی با مسئولین آموزش و پرورش، به مدارسی که در فرایند انتخاب نمونه مشخص شده بودند، مراجعه شد. ۱۱۴ نفر بدین صورت انتخاب شدند که ابتدا از بین ۳۵ مدرسه ابتدایی دخترانه ناحیه یک شهر قزوین ۵ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب، سپس از هر مدرسه دو کلاس به صورت تصادفی مشخص و دانش آموزان آن کلاسها به پرسشنامه اضطراب پاسخ دادند. مادران این دانش آموزان نیز به عنوان نمونه آماری که به پرسشنامه ی سبک های فرزندپروری پاسخ دادند، انتخاب شدند. که در هنگام تصحیح پرسشنامه ها با توجه به عدم دقت کافی برخی دانش آموزان در تکمیل پرسشنامه ها، ۱۴ نفر دچار ریزش شده و ۱۰۰ نفر دانش آموز و مادران آنها به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند.

ابزار

- **پرسشنامه سبک های فرزند پروری بامرنید (۱۹۷۲):** این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که بر اساس نظریه بامرنید جهت بررسی شیوه های فرزند پروری ساخته شده است. خرده مقیاسهای پرسشنامه شامل این موارد است. سبک سهل گیرانه (۱۰ ماده)، سبک سخت گیرانه (۱۰ ماده) و سبک مقتدرانه (۱۰ ماده). آزمودنی ها باید نظر خود را در خصوص هر سوال بر حسب مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (=۰ کاملاً موافقم تا ۴= کاملاً موافقم) مشخص کنند. بالاترین نمره در هر شیوه، سبک فرزندپروری مادر محسوب می گردد. مهرافرزو (۲۰۰۵؛ نقل از غمخوار فرد، ۱۳۹۱) در پژوهش خود میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ برای سبک سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای سبک سخت گیرانه و ۰/۷۸ برای سبک مقتدرانه بدست آورد.
- **پرسشنامه اضطراب اسپیل برگر (۱۹۷۰):** این آزمون مشتمل بر ۴۰ سؤال است. که ۲۰ جمله آن احساسات فرد را در این لحظه و در زمان پاسخگویی ارزشیابی می کند. مقیاس اضطراب پنهان هم شامل ۲۰ جمله است که احساسات عمومی و معمولی افراد را می سنجد (عنادی، ۱۳۹۲). مهram در سال ۱۳۷۲ مطالعه جهت استاندارد سازی آزمون اسپیل برگر انجام داد. میزان پایایی برای گروه هنجار در مقیاس اضطراب آشکار و پنهان بر اساس آلفای کرونباخ به ترتیب با ۰/۹۱ و ۰/۹۰ گزارش شد و این میزان در گروه ملاک ۰/۹۴ ثبت گردید (بهدانی و همکاران، ۱۳۷۹). علاوه بر این مطالعات نشان می دهد که همبستگی بین دو اضطراب بسیار

بالا می باشد (۰/۹۶ تا ۰/۹۸) و همچنین همبستگی بین مقیاس خصیصه ای اضطراب اسپیل برگر و مقیاسهای دیگر که سازه اضطراب را نیز می سنجد بالا می باشد (عنادی، ۱۳۹۲).

یافته ها

میانگین سن مادران ۳۳/۴۹ بود. ۴۴٪ مادران تحصیلات دانشگاهی (فوق دیپلم، لیانس و فوق لیسانس) داشتند و ۵۶٪ دارای تحصیلات دیپلم و سیکل بودند. داده ها از نظر نرمال بودن بررسی شدند.

جدول ۱- بررسی نرمال بودن توزیع داده ها

متغیرها	شاپیرو - ویلک			کولموگروف - اسمیرنوف		
	آماره	درجه آزادی	معنی داری	آماره	درجه آزادی	معنی داری
سبک فرزند پروری آزادانه	۰/۹۸۶	۹۹	۰/۱۴۳	۰/۰۸۳	۹۹	۰/۱۶۲
سبک فرزند پروری آمرانه	۰/۹۷۹	۹۹	۰/۱۶۷	۰/۰۶۷	۹۹	۰/۱۴۴
سبک فرزند پروری منطقی	۰/۴۳۲	۹۹	۰/۱۷۲	۰/۲۸۳	۹۹	۰/۱۲۲
اضطراب آشکار	۰/۹۶۹	۹۹	۰/۱۴۶	۰/۱۱۰	۹۹	۰/۰۷۷
اضطراب پنهان	۰/۹۷۶	۹۹		۰/۰۷۸	۹۹	

نتایج جدول ۱ نشان می دهد با توجه به عدم معناداری آزمونهای کولموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو - ویلک در سطح کمتر از ۰/۰۵، سطح توزیع داده ها نرمال می باشد.

جدول ۲- ضرایب رگرسیون و آزمون معنی داری برای اضطراب آشکار دانش آموزان

متغیر	B	خطای معیار	Beta	t آماره	سطح معنی داری
ثابت	۳۸/۳۰۸	۶/۱۳	—	۶/۲۴۱	۰/۰۰
سبک فرزند پروری آزاد	-۰/۰۶۷	۰/۲۳۳	-۰/۰۳۱	-۰/۲۸۶	۰/۰۰
سبک فرزندپروری آمرانه	-۰/۰۰۹	۰/۱۷۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۵۳	۰/۰۰
سبک فرزندپروری منطقی	۰/۰۱۳	۰/۰۹۴	۰/۰۱۵	۰/۱۳۷	۰/۱۷۱

نتایج جدول ۲ نشان می دهد که در گروه دانش آموزان از بین متغیر های پیش بین ، خرده مقیاسهای سبک فرزند پروری آزادانه و سبک فرزندپروری آمرانه مادران قادر به پیش بینی اضطراب آشکار بوده و آزمون t برای معنا داری ضریب رگرسیون آن در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنا دار است. ضریب استاندارد رگرسیون نشانگر آن است که سهم سبک فرزند پروری آزاد در پیش بینی اضطراب آشکار دانش آموزان برابر (Beta = -۰/۰۳۱) و سهم سبک فرزندپروری آمرانه برابر با (Beta = -۰/۰۰۵) است.

جدول ۳- ضرایب رگرسیون و آزمون معنی داری برای اضطراب پنهان دانش آموزان

متغیر	B	خطای معیار	Beta	t آماره	سطح معنی داری
ثابت	۴۱/۴۶۵	۶/۲۶	—	۶/۶۱	۰/۰۰
سبک فرزند پروری آزاد	-۰/۰۹۲	۰/۲۳۸	-۰/۰۴۱	-۰/۳۸۶	۰/۰۰
سبک فرزندپروری آمرانه	۰/۱۱۹	۰/۱۷۶	-۰/۰۷۰	-۰/۶۷۶	۰/۰۰
سبک فرزندپروری منطقی	۰/۰۴۸	۰/۰۹۶	۰/۰۵۴	۰/۵۰۲	۰/۶۱۷

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که در گروه دانش آموزان از بین متغیر های پیش بین ، خرده مقیاسهای سبک فرزند پروری آزادانه و سبک فرزند پروری آمرانه مادران قادر به پیش بینی اضطراب پنهان بوده و آزمون t برای معنا داری ضریب رگرسیون آن در سطح کمتر از $0/05$ معنا دار است. ضریب استاندارد رگرسیون نشانگر آن است که سهم سبک فرزند پروری آزاد در پیش بینی اضطراب پنهان دانش آموزان برابر $(\text{Beta} = -0/041)$ و سهم سبک فرزند پروری آمرانه برابر با $(\text{Beta} = -0/070)$ است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که بین سبک های فرزند پروری مادران با اضطراب آشکار دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین سبک های فرزند پروری مادران با اضطراب پنهان دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. سبک های فرزند پروری می توانند اضطراب آشکار و پنهان را در دانش آموزان پیش بینی نمایند. این یافته ها با پژوهشهای نجف علی بیگی (۱۳۹۰)؛ بنویت (۲۰۰۹)؛ روزکان (۲۰۱۲)؛ منصوری وهمکاران (۱۳۹۰)؛ ولفارد، همپل و میلز (۲۰۰۳)؛ براون و واتساید (۲۰۰۸) و ترگاونکار و وادکار (۲۰۰۷) همسو است.

شرایط مختلف مادر می تواند بر اضطراب کودکان اثر بگذارد: ۱- پشتیبانی بیش از حد، ۲- اضطراب والدین و ۳- احساسات منفی مادرانه. اضطراب مادر، دخالت بیش از حد، احساسات منفی و دل بستگی شدید به مادر، در طول زمان به طور قابل توجهی باعث اضطراب کودک می شود (سلیمانی فرد، خاقانی زاده و خادم الحسینی، ۱، ۲۰۱۴).

نجف علی بیگی (۱۳۹۰) در مطالعه خود اشاره دارد که سبک فرزند پروری مقتدرانه و سهل گیرانه و طرحواره حوزه عملکرد مختل و دیگر جهت مندی می توانند پیش بینی کننده اضطراب اجتماعی در دانش آموزان باشند. بنویت (۲۰۰۹) در یافته خود اشاره دارد که سبک فرزند پروری کنترل کننده (سخت گیرانه) می تواند اضطراب را در کودکان پیش بینی نماید. در دو سبک دیگر فرزند پروری رابطه ای با اضطراب گزارش نگردید. روزکان (۲۰۱۲) هم به این نتایج اشاره دارد که سبک های فرزند پروری سخت گیرانه و حمایت بیش از حد (سهل گیرانه) می توانند اضطراب را در نوجوانان پیش بینی کنند به عبارت دیگر با میزان اضطراب در نوجوانان رابطه دارند. منصوری وهمکاران (۱۳۹۰) هم در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که شیوه های فرزند پروری والدین بر اضطراب دانش آموزان تاثیر می گذارند. براون و واتساید (۲۰۰۸) و ترگاونکار و وادکار (۲۰۰۷) هم

در یافته های خود به این نکته اشاره دارند که شیوه فرزندپروری مستبدانه (آمرانه) با اضطراب عمومی کودکان رابطه معنادار دارد.

در تبیین رابطه بین سبک های فرزند پروری آزادانه و آمرانه مادران با اضطراب آشکار و پنهان دانش آموزان می توان به این تبیین اشاره کرد که والدین مستبد و دارای سبک استبدادی بسیار پرتوقع بوده و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند. آن ها کودکان را در کارهایشان تشویق نمی کنند و مهرورزی و ابراز محبت آن ها در پایین ترین سطح قرار دارد. این والدین در روابطشان با کودکان فاقد همدلی و همدردی بوده و کنترل افراطی اعمال می کنند. بررسی ها نیز نشان داده اند سبک والدینی که با تنبیه ها و کنترل افراطی شناخته می شود می تواند باعث ایجاد الگویی از دشمنی و فقدان اجتماعی شدن در کودکان و اضطراب در آنان شود (الوجا، دلباریو و گارسیا، ۲۰۰۵).

والدین با سبک آمرانه به رفتارهای کودک خود پاسخ مناسبی نمی دهند و کم کم باعث نوعی حالت استیصال و درماندگی در کودک و شکل گیری تصویری منفی از خود می گردند. بنابراین این کودکان برای هر عمل خویش مورد سرزنش قرار می گیرند و پذیرش لازم را از طرف والدین دریافت نمی کنند و این وضعیت منجر به حالت کناره گیری در کودک می شود تا به این وسیله از طرد و تنبیه والدین خود در امان بماند. در واقع این کودکان با رفتار کناره گیری و اضطراب خویش به نوعی از انجام هرگونه عملی که ممکن است موجب واکنش منفی والدین و در نتیجه طرد و تنبیه و سرزنش وی گردد اجتناب می کنند.

از سویی دیگر والدین با سبک آزادانه نیز به نوعی موجب مشکلات رفتاری در کودک می شوند. رفتار این والدین ترکیبی از صمیمیت کم و فقدان کنترل کافی روی رفتارهای کودک است. داشتن کنترل مناسب روی کودک یکی از عوامل مهم در شکل گیری رفتارهای سازش یافته است که در این گروه از والدین دیده نمی شود. به نظر می رسد که با توجه به فقدان کنترل مناسب بر کودک در این سبک، افزایش مشکلات رفتاری و اضطراب پیامد اصلی این سبک والدینی باشد (قنبری و همکاران، ۱۳۸۷). بنابراین سبک های فرزندپروری والدین به ویژه مادر که زمان طولانی تری را با فرزند سپری می کند عامل موثری در آرامش فرزند محسوب می شود و پیشنهاد می شود دوره هایی آموزشی در خصوص سبک فرزندپروری کارآمد در مدارس برای مادران برگزار شود.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می دانند از مدارس، دانش آموزان و آموزش و پرورش شهر قزوین که همکاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

منابع

- بهدانی، فاطمه، سرگلزایی، محمدرضا، قربانی اسماعیل. (۱۳۷۹). مطالعه ارتباط زندگی با افسردگی و اضطراب در دانشجویان سبزوار. مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی سبزوار(اسرار). (۲)۷، ۲۷-۳۷.
- حسین چاری، مسعود؛ دلاورپور، محمدآقا و دهقانی، یوسف. (۱۳۸۶). نقش شیوه های فرزندپروری والدین
- در کمروبی دانش آموزان دبیرستانی. مجله روانشناسی معاصر، ۲(۲): ۲۱-۳۰.
- حسینی، بیتا. (۱۳۹۱). مبانی شخصیت در روان درمانی. انتشارات جنگل، جاودانه.
- منصوری، شهاب؛ پورمحمد رضای تجریشی، معصومه و کریملو، مسعود (۱۳۹۰) رابطه شیوه های فرزندپروری والدین، خودپنداره و اضطراب مدرسه در دانش آموزان پسر عقب مانده ذهنی خفیف ۱۲ تا ۱۸ ساله شهر کرمانشاه. فصلنامه توانبخشی. ۱۲(۴)، ۴۸-۵۶.
- عنادی، مژگان . (۱۳۹۲). بررسی میزان اضطراب مادران دارای کودک بستری در بیمارستان و تأثیر آموزش بر کاهش اضطراب آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - قزوین - پژوهشکده علوم اجتماعی.
- غمخوار فرد، زهرا؛ امرالهی نیا، مونا و آزاد فلاح، پرویز (۱۳۹۱). بررسی پیش بینی کننده های اضطراب دوران کودکی بر اساس طرحواره های ناسازگار کودک و سبک های فرزند پروری مادر. مجله علوم رفتاری، ۶ (۳)، ۲۵۳-۲۶۲.
- قنبری، سعید؛ خداپناهی، محمد کریم؛ سید موسوی، پرپسا؛ نادعلی، حسین. (۱۳۹۱). کیفیت روابط مادر -کودک و نشانگان اضطرابی در کودکان پیش دبستانی. روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی ، ۹(۳۳)، ۵-۱۳.
- قنبری، سعید؛ سیدموسوی، پرپاسادات و نادعلی، حسین. (۱۳۸۷). بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و نشانگان برونی سازی شده در کودکان ۷ تا ۹ سال. فصلنامه خانواده پژوهی ، ۴(۱۳)، ۳۷-۴۹.
- نجف علی بیگی، نرگس (۱۳۹۰). مقایسه سبک های تربیتی والدین و طرحواره های ناسازگار اولیه دانش آموزان دارای اضطراب اجتماعی و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه علامه طباطبایی.

- Alizadeh, H. & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents, *Child and Family Behaviour Therapy*, 24, 32-52.
- Aluja, A.; Del Barrio, V.; Garcia, L. F.(2005). Relationships between adolescents_ memory of parental rearing styles, social values and socialisation behavior traits. *Personality and Individual Differences*. 39,903–912.
- Benoit, K .E (2009). *The relationship between Parenting style and childhood Anxiety in an ethnically diverse South Africa Sample*. Thesis of Master of Science in psychology.
- Brajša-Žganec, Andreja, Hanzec, Ivana. (2012). Social Development of Preschool Children in Croatia: Contributions of Child Temperament, Maternal Life Satisfaction and Rearing Practices. *Journal of Child and Family Studies*, 23(1), 105-117.
- Brown, A. M. & Whiteside, S.P.(2008). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. *Anxiety Disorders*. 22, 263–272.
- Chandola.A., Bhanot,S. (2008). Role of Parenting Style in Adjustment of High School Children. *Hum. Ecol.*, 24(1), 27-30
- Darling, N. & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*. 113, 487-496.
- Erozkán, A (2012) Examination of relationship between Anxiety Sensivity and Parenting styles in Adolescents. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 12(1) , 52-57.
- Lewis, Andrew J. and Olsson, Craig A. .(2011). Early Life Stress and Child Temperament Style as Predictors of Childhood Anxiety and Depressive Symptoms: Findings from the Longitudinal Study of Australian Children. *Depression Research and Treatment* , 2011 (2011), Article ID 296026, 9 pages.
- Rapee R.(2012). Family Factors in the Development and Management of Anxiety Disorders. *Clin Child Fam Psychol Rev*.15(1):69-80.
- Soleymanifard , Fateme, Khaghanizade, Morteza, Khademolhoseyni, Mohammad. (2014). The Role of Maternal in Children Anxiety: A Systematic Review. *International Journal of Medical Reviews*, 1(2): 75-79.

- Tergaonkar NR, Wadkar AJ.(2007). Relationship between test anxiety and parenting style. *Journal Indian Association Child Adolescent Mental Health*. 2(4): 10-12.
- Wick-Nelson, R., & Israel, A. C. (2009). *Abnormal child and adolescent psychology*, NewJersy: Pearson Education.
- Wolfradt, U; Hemple, S and miels, N (2003). Perceived parenting styles, depersonalisation, anxiety and coping behaviour in adolescents. *Personality and individual differences*. 34 (3), 521-532.
- Wood, J. J., McLeod, B. D., Sigman, M., Hwang, W-C., & Chu, B. C. (2003). Parenting and childhood anxiety: Theory, empirical findings, and future directions. *Journal of Child Psychology & Psychiatry & Allied Disciplines*, 44,134 – 151.

